پرسش های درس اول

۱- ضمن تعریف لغوی و اصطلاحی وصیت نامه، سه نوع وصیت نامه را برشمارید و هر یک را توضیح دهید.

واژه وصیت بر وزن فعیله، اسم مصدر است. ثلاثی مجرد آن وَصَی - یَصِی، وَصْیاً - الشیءَ، به یا الشیءَ بآخر، به معنای پیوند و اتصال دو چیز به یکدیگر بوده، معانی پیمان، عهد و الحاق نیز در همین سیاق است. همچنین نزد لغت شناسان، وصیت از توصیه به معنای سفارش، هشدار، اندرز، مطالبه درخواست و نصیحت نیز آمده است.

وصیت به لحاظ فقهی و حقوقی دست کم شامل دو چیز است: ۱- یا عملی است که به موجب آن شخص، مال یا منفعتی از مال خود را برای زمان بعد از خودش به دیگری تملیک می کند. ۲- یا عبارت است از اینکه شخصی، فرد یا افرادی را برای زمان پس از فوتش مأمور انجام کاری می کند. (پرداخت دیون، استیفای طلب ها، به جا آوردن برخی اعمال عبادی مانند نماز، روزه و حج). در اصطلاح اخلاق، مجموعه ای از اندرزها و سفارش های اخلاقی و معنوی شخص برای بازماندگان از روی خیرخواهی است.

انواع وصیت: ۱- فقهی - حقوقی یا شرعی
۲- اخلاقی - معنوی
۳- سیاسی و کلامی (حکومتی)

در یک جمع بندی می توان گفت وصیت مربوط است به توصیه های اخلاقی در سیر و سلوکی که حق الله و حق الناس، به امور شخصی و تشریفات پس از وفات، و وصیت در اموال که در یک سوم آن انجام می گیرد.

۲- دلایل عقلی و نقلی ضرورت نگارش وصیت نامه را در زندگی تبیین کنید.

عقلی: با توجه به آنچه در برخی از معانی اصطلاحی ذکر شد، به نظر می رسد بتوان از ضرورت عقلی و نیز حُسن عقلی - شرعی - عرفی وصیت کردن سخن گفت، چنانکه جریان این امر در میان اقوام و ملل گوناگون و نیز جوامع مسلمان و غیرمسلمان، حکایتگر همین ضرورت عقلی است. جهت دیگر در اهمیت عقلی وصیت این است که انسان با وصیت کردن، حداقل خیال خودش را راحت می کند و با خاطری آسوده روانه دیار باقی می شود، چون حقوق کسانی را که تصور می کند حقوقی دارند، مدنظر قرار داده و درباره آنچه برای بعد از خودش باقی می ماند، موضع گرفته است. نیز به لحاظ اجتماعی، به نوعی اقدام به حق و حقوق دیگران شمرده می شود، چنان که به هر حال انسان هر قدر هم اهل حساب و کتاب، دقت، تدبیر و تدبّر باشد، باز هم ممکن است چه در جانب تکالیف الهی یا در باب حقوق مردم با سستی ها و کاستی هایی رو به رو باشد. از این رو، تدبیر امور و تمشیت مواردی در خصوص آنچه در اختیار خود اوست، می تواند نوعی دوراندیشی و بارقه ای تلقی شود و مورد توصیه روشن عقل باشد.

نقلی: به نظر می رسد هر سه قسم یاد شده در بحث گونه شناسی وصیت ها و وصیت نامه ها در قرآن آمده است. آیاتی مانند «کُتِبَ علیکم اذا حضر احدکم الموت ان ترک خیراً الوصیة للوالدین و الاقربین بالمعروف حقاً علی المتقین» و نیز «یوصیکم الله فی اولادکم للذکر مثل حظ الانثیین ...» ناظر به وصیت فقهی و حقوقی است، و آیاتی چون «و وصینا الانسان بوالدیه حسناً» و «ولقد وصینا

(۲)

الذین اوتوا الکتاب من قبلکم وایاکم ان اتقوا الله.... " ناظر به وصیت اخلاقی و عرفانی است؛ و آیاتی چون "شرع لکم من الدین ما وصی به نوحا والذی اوحینا الیک وما وصّینا به ابراهیم و موسی و عیسی ان اقیموا الدین ولا تتفرقوا فیه " ناظر به وصیت سیاسی، اجتماعی و حکومتی است؛ چون سخن از اقامه و برپاداشتن دین، و امر خداوند به عدم تفرقه و جدایی گزینی است. همچنین هر سه نوع وصیت نامه در احادیث نقل شده از رسول اکرم (ص) و امامان اهل بیت وارد شده است؛ چنان که رفتار عملی و سیره آن انوار پاک نیز گواه بر همین امر است.

۳- مخاطبان وصیت نامه امام خمینی چه کسانی هستند؟ چرا؟

وصیت حضرت امام خمینی (ره) جامعیت ویژه‌ای دارد، یعنی هم مسائل سیاسی و اجتماعی، و هم مسائل اخلاقی و معنوی نظام و انقلاب اسلامی را در نگاه به حال و آینده بررسی کرده است. از نظر مخاطبان نیز وصیت نامه گستره‌ای بسیار وسیع را در بر می‌گیرد. در داخل ایران، همه اقشار مردم و همه قوای اصلی نظام مورد خطاب قرار گرفته‌اند و در نظام بین الملل نیز همه ملت های مسلمان و نیز مستضعفان جهان مخاطب هستند.

حضرت امام می فرمایند: "و آنچه لازم است تذکر دهم آن است که وصیت سیاسی - الهی اینجانب، اختصاص به ملت عظیم الشأن ایران ندارد، بلکه توصیه به جمیع ملل اسلامی و مظلومان جهان از هر ملت و مذهب می باشد."

"من اکنون به ملت های شریف ستمدیده و به ملت عزیز ایران توصیه می کنم....

اینجانب به همه نسل های حاضر و آینده وصیت می کنم...."

۴- درباره‌ی مهم ترین موضوعات وصیت نامه های حضرت علی (ع) و آیت الله قاضی طباطبایی توضیح دهید.

* وصیت حضرت علی (ع): "تو را سفارش می کنم به ترس از خدا، و پیوسته در فرمان او بودن و دلت را به یاد او آباد نمودن، و به ریسمان اطاعتش چنگ در زدن و ..."

* وصیت آیت الله قاضی طباطبایی: "بسم الله الرحمن الرحیم ... و بعد، وصیت از جمله سنن لازمه است و بنده عاصی، علی بن حسین القاضی طباطبایی چندین مرتبه وصیت نامه نوشته‌ام..... اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له کما شهد الله لنفسه و ملائکته واولوا العلم من خلقه...

اما وصیت های دیگر، عمده آنها نماز است. نماز را بازاری نکنید، اول وقت به جا بیاورید با خضوع و خشوع. اگر نماز را تحفظ کردید، همه چیزتان محفوظ می ماند و تسبیح صدیقه کبرا سلام الله علیها و آیه الکرسی در تعقیب نماز ترک نشود با.... و در مستحبات تعزیه داری و زیارت حضرت سیدالشهداء مسامحه ننمایید...

حذف

- به نظر شما، رنگ و صبغه اصلی وصیت نامه حضرت امام چگونه است؛ فقه، قرآن، فلسفه، عرفان یا سیاست؟ با شواهد توضیح دهید.

اگر بخواهیم درباره صبغه اصلی وصیت نامه اظهار نظر کنیم، می توان بر ممزوج بودن آن با آیات قرآن تأکید کرد. اصطلاحات زیادی در وصیت نامه هست که عیناً اصطلاحات قرآنی است یا در الفاظ و اصطلاحات قرآن ریشه دارد. قرآن در روح وصیت نامه جاری است و وصیت نامه به حیات قرآن زنده و جاوید شده است و آشنایان با قرآن و آموزه های جاودانه اش، در سراسر وصیت نامه حضور قرآن و اهل بیت را تصدیق و تطبیق می کنند؛ زیرا در آغاز وصیت نامه با آن سخن را آغاز می کند و پایان آن نیز که با دلی مطمئن خداحافظی می کند، همه و همه اش برگرفته از ثقلین است. به عبارت دیگر، صاحب این وصیت نامه پیش تر و بیش تر از آنکه فقیه، فیلسوف، سیاستمدار یا عارف باشد شخصیتی قرآنی است.

پرسش های درس دوم

درست؟

۱- حضرت امام در چه سالی به اجتهاد رسیدند و مرجعیت ایشان در چه سالی آغاز شد و چه تأثیری در انقلاب اسلامی [داشت]

دوره مرجعیت علمی امام خمینی، که با ایام رحلت مرجع عام شیعه، آیت الله العظمی بروجردی هم زمان است، در واقع دوره ای است که بطور مشخص مرجعیت امام مطرح شده است. می دانیم که امام خمینی به مرجعیت آیت الله بروجردی توجه جدی داشت و تا زمانی که ایشان زنده بود، از مطرح شدن خود در مقام مرجع پرهیز می کرد و تنها پس از رحلت آقای بروجردی و اصرار بیش از حد مقلدان اجازه چاپ رساله خود را به نام «نجات العباد» داد. و دوره مرجعیت امام از این جهت که از این پس حضرت امام فعالانه وارد عرصه سیاست و موضع گیری در برابر دولت پهلوی می شود، حائز اهمیت است. مطابق اسناد و مدارک تاریخی، پس از بروز یک سلسله حوادث از سال ۳۹ به بعد تا سال ۴۲ که دوران امام خمینی نقش فعال داشت، ایشان دستگیر و زندانی شد و پس از آزادی در سال ۴۳ دوباره به دلیل سخنرانی بر ضد کاپیتولاسیون دستگیر و این بار به ترکیه تبعید گردید.

۲- ابعاد علمی شخصیت امام را توصیف کنید و پنج کتاب مهم ایشان را نام ببرید.

آقا روح الله هم زمان با طی مدارج سلوک تحت اشراف استاد، برخی از مسائل باقی مانده از فلسفه را نزد استاد فن به پایان برد و همچنین با دو دانش هیئت و ریاضیات نیز آشنا شد. یکی از ویژگی های امام خمینی که بارها مورد اذعان و تأکید حتی عرفا، اساتید و هم نظرانش قرار گرفته، جامعیت علمی او از یک سو و ریشه دار بودن سلوک معنوی ایشان از سوی دیگر بود. آثار و کتاب های امام به روشنی گواه این ادعاست. آثاری که می توان آنها را در دو حوزه تک نگاری تخصصی و بین رشته ای، به دو زبان فارسی و عربی تقسیم کرد.

(۴)

آثار تک نگاری تخصصی را در حوزه های عرفان، اصول فقه، فقه، سیاست و فلسفه، و آثار بین رشته ای را نیز در قلمروهایی چون عرفان و کلام، کلام و فلسفه، عرفان و ادب، اصول و فقه، و سیاست و اجتماع طبقه بندی می کنند. نکته بسیار مهم که حتی حوزه های علمیه تاکنون به درستی بدان توجه نکرده، این است که نخستین درسی که امام خمینی بر اساس الگوی رسمی در حوزه قم آغاز کرد، درس اخلاق بوده.

کتب های مهم امام عبارتند از: شرح دعاء السحر - تعلیقه بر فوائد الرضویه - تعلیقات علی شرح فصوص الحکم و مصباح الانس - مصباح الهدایة الی الخلافه و الولایه - سر الصلاة - معراج السالکین و صلوة العارفین - آداب الصلوة - دیوان امام - شرح چهل حدیث - شرح حدیث جنود عقل و جهل عرفانی - انوار الهدایة فی التعلیقه علی الکفایة - ~~مناهج~~ مناهج الوصول الی علم الاصول - الطهارة - مکاسب محرمه

- از نظر شما، مهمترین رخداد زندگی امام قبل و بعد از انقلاب کدام است؟ چرا؟ حذف

حذف

رشید

۴- سه دوره رهبری و مدیریت حضرت امام را در خصوص نهضت اسلامی قبل از پیروزی انقلاب برشمارید و تحلیل

دوره رهبری نهضت قبل از پیروزی که مهم ترین و پر حادثه ترین دوره زندگی حضرت امام است (حدود ۲۹ سال)، خود در قالب سه دوره قابل بررسی و تحلیل است:

الف) دوره ارشاد و اصلاح (امر به معروف و نهی از منکر)؛

ب) دوره افشاگری و تهییج؛

پ) دوره رهبری قیام بر ضد طاغوت

کشید

- در زمان امام چند همه پرسی انجام شد؟ علل اصرار امام بر برگزاری انتخابات حتی در شرایط بحرانی کشور را تحلیل

حذف

۱۲ فروردین ۵۸ : ۹۸٪ رأی مثبت (آری) به جمهوری اسلامی دادند ۴۹ روز بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

۱۵ / بهمن ۵۸ : نخستین دوره ریاست جمهوری

۵ / ۶۰ : ریاست جمهوری شهید رجائی

۷ / ۶۰ : ریاست جمهوری آیت الله خامنه ای

در شرایطی پیش آمد که مردم تعداد زیادی از مسئولین منتخب خود را یکجا از دست داده بودند و در شهرها و دیگر نقاط کشور هر روز خبر شهادت خدمتگزاری دل ملت را می لرزاند و کشور در وضعیت تمام جنگی قرار گرفته بود، شاید تعطیل کردن انتخابات در نگاه بسیاری توجیه پذیر می نمود، اما حضرت امام که هم چنین نظام را در اسلامیت و جمهوریت آن

می دید، از مردم دعوت کرد حق تعیین سرنوشت را اعمال کنند و به پای صندوق های رأی بروند. بدین ترتیب با در شرایط بحرانی کشور، مردم آرای خود را به صندوق ها ریختند و محمدعلی رجایی که افتخار می کرد معلم است و دست فروشی کرده، با فقر آشناست و از دوستان خود می خواست از انتقاد کردنش نهراسند تا همواره در صف محرومان بمانند، حائز اکثریت آرا شد و در روز ۱۳۶۰/۵/۱۱ به حضور امام رسید تا حکم تنفیذ را دریافت دارد و عهده دار مسئولیتی شود که ملت بر دوشش نهاده بودند. توصیه امام به او حفظ اخلاق رسیدگی به وضع مستضعفان و محرومان و پایبندی به قانون بود.

حذف - پنج آیه را که به نوعی نشانه شناسی تطبیقی زندگی امام در قرآن است، نام برده، توضیح دهید.

پرسش های درس سوم

۱- پنج ویژگی منحصر به فرد وصیت نامه امام خمینی را برشمرده، توضیح دهید.

۱- برخی از این ویژگی ها به ماهیت وصیت نامه برمی گردد. مثل عنوان آن که عبارت است از «وصیت نامه سیاسی - الهی» دو صفت سیاسی و الهی، در واقع این وصیت نامه را از همه وصیت نامه هایی که در طول تاریخ به جا مانده و تاکنون به درستی یا غلط در دو گروه وصایای فقهی - حقوقی و اخلاقی - عرفانی طبقه بندی شده، متمایز کرده است.

۲- برخی از این ویژگی ها به شخصیت امام خمینی برمی گردد. جامع الاطراف بودن امام، او را از شخصیت های کم نظیر تاریخ و حتی شخصیت هایی که دارای ابعاد محدود مشابهی هستند - اگر بتوانیم شخصیت های بسیار بزرگ را که تاکنون در تاریخ بشر ظهور کرده اند و منشأ تحولات شده اند و یا صفات مورد نظر این پژوهش مرتبط اند، در شخصیت های سیاستمدار، اهل فرهنگ و ادب، متکلم، فقیه، فیلسوف و عارف دسته بندی کنیم، به نظر می رسد در بعد سیاسی می توان از مائو، گاندی، چرچیل و گورباچف نام برد. در حوزه ادبی، ابن فارض، گوته، حافظ، سعدی .... را می توان مثال زد. در قلمرو کلام، آگوستین قدیس، خواجه نصیرالدین طوسی، قاضی عبدالجبار معتزلی و علامه حلی مثال های خوبی هستند. در حوزه فلسفه، افلاطون، ارسطو، ابن رشد، ابن سینا،

شیخ اشراق، ملاصدرا و علامه طباطبایی را می‌توان نام برد. در حوزه فقه شیخ طوسی، شیخ انصاری و آیت‌الله بروجردی را نمی‌توان نادیده گرفت و در حوزه عرفان و معنویت شخصیت‌هایی چون ابوسعید ابوالخیر، خرقانی، بایزید بسطامی، ابن عربی و ... نام بردارند.

بی‌گمان هر یک از این شخصیت‌ها اثرگذارند و عظمت و جایگاه والای خود را دارند، اما هیچ یک جامعیت امام خمینی را نداشته‌اند. ممکن است برخی از این شخصیت‌ها در قلمرو یا بخشی دارای مهارت، تخصص و نقش آفرین باشند، ولی به نظر می‌رسد نتوان هیچ کس را از حیث جامعیت با امام مقایسه کرد. این جامعیت سبب شده وصیت ایشان نیز دارای ابعاد و موضوعات گوناگون باشد.

۳- برخی از ویژگی‌های وصیت‌نامه به وضعیت جهان به لحاظ فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی برمی‌گردد. وضعیت دوقطبی جهان، قرار گرفتن اجباری تقریباً همه کشورهای جهان تحت رژیم و منظومه یکی از دو ابرقدرت و تعلق و انحصار همه چیز به همین دو اردوگاه، شناخت واقع‌بینانه‌ای که امام خمینی از این دو اردوگاه ارائه می‌کند، و نیز چگونگی رابطه و نسبتی که انقلاب اسلامی و ملت بزرگ ایران با این دو اردوگاه می‌تواند داشته باشد، این ویژگی را استوار کرده است.

۴- وضعیت تاریخی و پیشینه فرهنگی و تمدنی ایران، و به ویژه نقش فرزندان ایرانیان در گسترش اسلام و برافراشتن فرهنگ شرقی آن در قرون گذشته نیز حائز اهمیت است. ویژگی دیگر وصیت‌نامه در این خصوص، همان ایمان و اعتقادی است که امام به مردم ایران، و نبوغ، همت و سخت‌کوشی آنان داشته.

۵- سهل و ممتنع بودن وصیت‌نامه، ویژگی دیگر آن است. زیرا در عین حال که به زبان ساده و روان نوشته شده، ~~[illegible]~~ ادبیات آن فاخر است و مفاهیم بلند و عمیقی را تبیین کرده است؛ بطوری که فهم برخی مباحث آن نیازمند دقت بسیار است.

۶- مختصر اما پرمحتوا بودن وصیت‌نامه، ویژگی دیگر آن است. اگرچه بسیاری، وصیت‌نامه را سرفصل‌های اندیشه و تفکر امام، سرعنوان‌های فعالیت‌های ایشان در طول دوره حیات پربرکتش دانسته‌اند، گویای همین ویژگی است.

۲- ~~[illegible]~~ (دوره‌های) سه‌گانه وصیت‌نامه را گزارش کنید.

۱- بخش نخست یا مقدمه: ۷ صفحه. گزاره‌هایی درباره معارف حقه و اندیشه و عقیده الهی امام و بازگو کردن ثقلین (خط توحید و راه پیامبران) و پیشوایان معصوم) و ممتاز کردن اسلام ناب محمدی از انحرافات و اوهام و اضافات برساخته به دست دشمنان مغرض، متحجران و جاهلان متنسک. نیز تأکید بر همراهی دین و سیاست.

۲- بخش دوم: هجده بند. ارائه رهنمودهای عملی و تجربیات سازنده جهت تداوم انقلاب اسلامی و استمرار عزت و سربلندی ملت ایران و دیگر ملت‌های مسلمان و مستضعفان جهان. امام در این بخش در واقع در قلمرو داخلی حجت را بر اقشار مختلف جامعه، مسئولان و دولتمردان جمهوری اسلامی ایران، قوای سه‌گانه، قوای مسلح و دیگر نهادها و ارگان‌ها، و در قلمرو خارجی حجت را بر حکام کشورهای اسلامی، مسلمین سراسر دنیا و مستضعفان جهان تمام می‌کند. موضوعات این بخش در سه محور اصلی (۱) انقلاب اسلامی (۲) حکومت امور و

(۳) تضییع و سوء لحاظ می باشد.

۳- بخش سوم: کمتر از یک صفحه، شامل چند تذکر مهم، و نیز تعیین افرادی که پس از رحلت ایشان و برای نخستین بار وصیت را می گشایند و برای دیگران می خوانند.

۳- به لحاظ تاریخی و کلامی چه دلایل و توجیهاتی برای استناد امام به حدیث ثقلین می توان برشمرد؟

از لحاظ تاریخی:

۱- این واقعیتی انکارناپذیر است که در زمان پیامبر اکرم (ص) از آغاز رسالت تا رحلت ایشان، در میان مسلمانان و اطرافیان نزدیک پیامبر که اغلب جزو مسلمانان نخستین و مهاجران قبل از فتح مکه‌اند و قرابت، علاقه و اعتقاد و دوستی با حضرت و نیز تعلق آنها به اسلام و قرآن انکارنشدنی بوده است. غیر از جریان نفاق و منافقان دو نگرش درباره پیامبر و پیامبری وجود داشته است.

گروهی از مسلمانان که پیامبر اکرم (ص) را در شئون مختلف زندگی مصون از خطا می دانستند و سخنان ایشان را در غیر آنچه وحی است هم نصب العین خود قرار می دادند و به هیچ رو در خصوص نص سخنان پیامبر مخالفت و حتی تفسیر و تأویلی را روا نمی دانستند. این گروه حتی در مواردی که پیامبر اکرم (ص) در مسئله‌ای از صحابه مشورت می خواست، بر پیامبر پیشی نمی گرفتند.

گروه دیگر، مسلمانان بزرگواری بودند که چنین نگرشی به پیامبر و پیامبری نداشتند و با همه کوششی که برای ادامه اسلام به انجام رساندند، اصولاً پیامبر را جز در مواردی که وحی را از اصل این با افراد ابلاغ کند، معصوم نمی دانستند؛ تا چه رسد به دیگر سخنان حضرت در سایر قلمروهای زندگی فردی و اجتماعی.

این واقعیتی بوده است که در تاریخ اسلام شواهد فراوانی برای آن می توان ذکر کرد. از این رو، رسول اکرم (ص) برای پیشگیری از خطر انحراف احتمالی در برداشت از قرآن و در واقع برای جلوگیری از هرگونه استفاده از این برای انکار دین، این حدیث شریف را بیان کرده است.

۲- نکته دیگر در همین نگاه تاریخی این است که پیامبر تأکید می کند که قرآن و عترت به هیچ رو از هم جدایی پذیر نیستند. معنای این سخن آن است که قرآن کریم همواره به مفسر و مبین نیاز دارد، مبین آن کسانی که در ظاهر و باطن و در لفظ و معنا به پیامبر اکرم (ص) نسبت می برند و بیشترین شباهت و قرابت را به رسول خدا (ص) دارند.

۳- به لحاظ تاریخی بسیاری از عالمان شیعه از گذشته های تاریخ اسلام تاکنون، از جمله شیخ مفید و دیگران در بحث از اثبات امامت و ولایت و چگونگی تداوم رسالت رسول خاتم (ص) به این حدیث استناد کرده اند.

۴- این حدیث پیامبر، خود، وصیت آن حضرت بوده است و از این رو، امام خمینی در مقام ولی خدا، در طلیعه وصیت نامه اش به وصیت نامه ولی خدا، تبرک جسته و به آن حضرت اقتدا کرده است.

و اما از نظر کلامی:

اصل امامت، ممیزه اصلی شیعیان و اساس حکومت و سیاست در اسلام بوده است و از گذشته تاکنون بیشترین مباحث بعد از مسئله توحید، در همین مسئله بوده، به رغم آنکه کتابخانه هایی در تبیین این مسئله از صدر اسلام تاکنون شکل گرفته است، با این حال، هنوز از مسائل کاملاً جدید، مورد نیاز مسلمانان و همواره پویا و زنده در میان

(۸)

مسلمانان است و او اذهان کنجکاوی مایل است به سؤال چگونگی استمرار رسالت رسول خاتم (ص) پاسخ دهد.

۴- تعاون کتاب و عترت در حدیث ثقلین گویای چیست؟

گویای اینکه: ۱- رهبر بدون قانون اساسی مستحکم و مدوّن و همچنین قانون اساسی بدون رهبری شایسته کارآیی ندارد، بلکه این دو مکمل یکدیگرند.

۲- تعیین عترت و قرار دادن آن در کنار کتاب، بیانگر این حقیقت است که لازمه درک کتاب صامت، یعنی قرآن داشتن مفسر و کتاب ناطق (عترت و اهل بیت) است.

۳- اهل بیت اسوه راستین هدایت از قرآن اند و رسالت قرآن نیز دعوت به پیروی از سیره چنین انسان هایی است.

۴- حقایق هستی تنها از راه پیشرفت های عقلانی برای بشر حاصل نمی شود، بسیاری از این حقایق را تنها وحی (قرآن) می تواند در اختیار جامعه قرار دهد و در این زمینه، جامعه از آگاهان راستین قرآن، یعنی اهل بیت بی نیاز نیست و در نتیجه، حقیقت و ثمره های قرآن بدون اهل بیت ناقص است و نایافتنی خواهد بود.

۵- اقدام خالصانه به هریک از قرآن و عترت، اقدام به دیگری است.

۶- همانگونه که قرآن همواره در دسترس امت است، عترت نیز چنین است و در دوران غیبت کبرا از باب آنکه دعوت به عترت، دعوت جامعه به سوی نایبان عترت خواهد بود، اداره امور جامعه به عهده حاکم شرع، یعنی ولی فقیه واجد شرایط است که از راه رهنمود معروف «و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة احادیثنا» مورد تأکید قرار گرفته است.

۷- بی اعتنایی به یکی، بی اعتنایی به دیگری است.

۸- هریک از این دو، گواه بر حقانیت دیگری است؛ چنانکه فرموده پیامبر اسلام «یشهد الثقل الاکبر بالثقل الاصغر و یشهد الثقل الاصغر بالثقل الاکبر» یعنی قرآن به حقانیت عترت و عترت نیز به حقانیت قرآن گواهی می دهد.

۹- قرآن در جهان جاودانه است، وجود عترت نیز در جوامع بشری جاودانه است و این دو حافظ یکدیگرند.

۱۰- فضیلت عترت، عصمت عترت و حضور امام معصوم حاضر یا غایب، مادامی که قرآن وجود دارد از نکات مهم قابل استفاده از تقارن کتاب و عترت است.

۱۱- همان طور که قرآن کریم حاوی آیات مهر است، عترت مظهر جمال الهی اند.

۱۲- همچنانکه قرآن شامل آیات قهر است، عترت نیز مظاهر جلال الهی اند.

۱۳- همانطور که قرآن محتوای همه اسمای الهی است، عترت طاهره نیز جلوه گاه همه اسمای الهی اند.

۱۴- همچنانکه قرآن از تکاثر و اختلاف مصون است، عترت هم از پراکندگی معصوم اند.

۵- آثار و برکات ثقلین، علل، اسباب و عوامل مهجوریت آن دو و مصادیق مهجوریت ثقلین از نظر حضرت امام کدام است؟

از نظر امام خمینی، نشانه مهجوری ثقلین عبارتند از:

۱- ثقلین کتاب سعادت و مایه رشد انسان ها و رهایی آنها از زنجیر بردگی است؛
۲- نقطه جمع میان همه مسلمانان، بلکه نقطه جمع عائله بشری است؛
۳- موجب رهایی بشر از شر شیطان و طاغوتیان است؛
۴- از اسباب اصلی رساندن بشر به قسط و عدل است؛
۵- زمینه ساز رساندن حکومت به صالحان و اولیای الهی است.
۶- از اسباب اصلی محور وحدت و یکدلی مسلمانان است؛
۷- راه اصیل و وسیله مطمئن به مطلوب نهایی و غایات متعالی انسان است.

از منظر وصیت امام، خطوط کلی انحراف مسلمین از کتاب و سنت که جا دارد از آن به «مصادیق تهجوریت» یاد کرد امام، عبارت است از:

۱- خروج ثقلین از دامنه زندگی مردم و دور نگهداشتن مردم از کتاب و عترت؛
۲- استفاده ابزاری از قرآن و عترت برای توجیه جور و فساد؛
۳- استفاده از کتاب و سنت برای ایجاد اختلاف میان مسلمانان در مذاهب مختلف ترک به صند قرآن؛
۴- از بین بردن ارکان مقدس قرآن و اهل بیت، یعنی حکومت صالحان و اولیای الهی؛
۵- کنار گذاشتن آگاهان و استین و مفسران حقیقی قرآن و ممانعت از تفسیر و تبیین صحیح آیات کتاب خدا

پرسش های درس چهارم

سئوال ۱و۲- حذف

مهم ۳- از نظر امام و نیز مشهور شیعیان، امامت از اصول دین است یا اصول مذهب؟ پیامد این نظر را در ارتباط با دیگر مسلمانان تحلیل کنید.

امام می فرمایند، ماهیت اسلام چیزی جز گواهی دادن به وحدانیت خداوند و رسالت پیامبر و اعتقاد به معاد نیست و غیر از این امور، هیچ چیز دیگر، از جمله اعتقاد به ولایت ائمه (علیهم السلام) در ماهیت اسلام دخالت ندارند. بنابراین امامت از اصول مذهب است، نه اصول دین.

پیداست چنانکه اشاره شد، این نظر مختص به حضرت امام نیست. بلکه بسیاری از علمای شیعه، بویژه در دو نسبت سال اخیر نظر مشهور و رایج با اندک تفاوتی همین است. علامه محمد حسین کاشف الغطاء در کتاب گران سنگ اصل الشیعه و اصولها، علامه امینی در کتاب ارزشمند الغدیر، علامه طباطبایی در تفسیر وزین المیزان، استاد مرتضی مطهری در کتاب عدل الهی و بسیاری دیگر بر همین نظرند.

بر این اساس، از نظر حضرت امام موافقان و مخالفان اصل امامت، هر دو مسلمان و به حکم آیه شریفه «انما المومنون اخوة» برادر یکدیگرند و انکار اصل امامت اگر از روی تعصب و دشمنی نباشد، ضرری به مسلمان بودن شخص مخالف نمی زند؛ اما در عین حال چنانکه در وصیت نامه نیز بدان اشاره شده، اعتقاد به امامت به معنایی که گذشت، فواید و برکاتی دارد که در صورت فقدان آن، خسارت های زیانبار و جبران ناپذیری به جوامع اسلامی وارد می شود. چنان که تاکنون چنین بوده است؛ زیرا امامان کسانی اند که همچون شخص پیامبر، ملکه عصمت و علم خداداد دارند و تمام احکام الهی را می دانند و به همین دلیل، تبیین احکام

دین و تفسیر واقعی کتاب و سنت و نیز سرپرستی جوامع اسلامی در هر زمان، به آنها سپرده نشده تا آن را پس از خود به هر کس که صلاح شمرده است، بسپارند. بنابراین، امامت الگوی کامل و منحصر به فرد برای انتظام بخشیدن به امور دینی و دنیوی است و ناگفته پیداست که از دست دادن چنین الگوی، ضایعه ای اسفناک و جبران ناپذیر است و عقب ماندگی تاریخی مسلمانان در محرومیت آنان از این نعمت الهی ریشه دارد.

۴- اقدامات و طرح های صاحب رسالت را درباره مسئله جانشینی شرح دهید.

اقدامات پیامبر (ص) در مقاطعی از تاریخ پرماجرای اسلام مؤید این معنی است؛ از جمله اقدام آن حضرت در یوم الانذار یا یوم الدار یا در غدیر خم و جریان حج ولایت پیامبر اکرم (ص) یا جریان یوم الخندق و یا ماجرای ورود پیامبر به قبا و منتظر شدن آن حضرت برای رسیدن حضرت علی (ع) و خطاطم. رفتار متفاوت علی (ع) و نیز برخی از یاران در برابر پیامبر و اوامر و نواهی و کل سخنان آن حضرت نیز مسئله قابل تأملی است. اطاعت پذیری بی قید و شرط، و بدون سؤال و تردید علی (ع) و برخی از یاران از پیامبر در تاریخ نمونه های فراوانی داشته است و ماجرای لیلة المبیت و ماجرای تبوک از آن جمله است. برای نمونه، در یکی از این مشورت های پیامبر وقتی نوبت به اظهار نظر مقداد بن اسود رسید، گفت: در اینجا یک و صد فتاک و شمشیر یاران ما حقت به حق من بعثک الله والله لو أمرتنا ان نخوض جمر الغضا و شوک الهراس لخضنا معک.

حاصل سخن او این است که ما نگاه می کنیم تا شما چه می فرمائید. اگر بفرمائید داخل آتش برویم ما می رویم. ما از خودمان در مقابل شما و با وجود شما نظری نداریم. ما مطیع امر شما هستیم.

۵- منظور از نگاه اسلامی و نگاه انسانی به رخداد عاشورای حسینی چیست؟ توضیح دهید.

یکی از واقعیت هایی که برای همه مسلمانان، بلکه برای همه کسانی که می خواهند شرافتمندانه زندگی کنند، فرصت تلقی می شود، رخداد عاشورای امام حسین (ع) است. واقع مطلب این است که امام حسین (ع) متعلق به یک مذهب، مکتب و حتی دینی خاص نیست. او افتخار اسلام و افتخار مذهب تشیع است، اما محدود به شیعیان یا مخصوص اسلام و مسلمانان نیست و متأسفانه این حقیقت به درستی شناخته نشده است. گاه نگاه فرقه ای و فرقه ای به اصل واقعه و گاه رفتارهای نابجا و بعضاً از سر نادانی سبب شده این حقیقت نورانی اثر مثبت خود را در تاریخ ملت ها کمتر نشان دهد.

باری، متأسفانه تاکنون کمتر نگاه جهانی یا انسانی به قیام امام حسین (ع) شده است، در حالی که در تمام سخنان آن حضرت، اقامه دین خدا و احیای سنت رسول خدا به عنوان رحمت برای عالمیان مطرح شده است.

در دیگر سخنان آن حضرت نیز زندگی با ستمگران در هر زمان و مکان ننگ و عار معرفی گردیده، اصولاً کمتر سخنی از امام حسین (ع) می توان نشان داد که به مسائل درون مذهبی ناظر باشند؛ چنانکه در بسیاری زیارت نامه ها و از جمله زیارت اربعین امام حسین (ع) که از نشانه های پنج گانه تشخص مؤمن است،

هدف نهضت کربلا چنین توصیف شده است: «خداوندا! حسین بن علی (ع) خون خود را برای دانایی و دارایی مردم داد. «و بذل مهجته فیک لیستنقذ عبادک من الجهالة وحیرة الضلالة». یعنی خدا کاری کرد تا همه بندگان خود را از نادانی و تردید برهاند و از بیراهه رفتن و سرگردانی نجات بخشد. چنان که توطّن در دیار حق تعالی را بارانداز و آخرین ایستگاه و غایت حرکت خود قرار داد، نه هیچ امر دیگری را. در سخن آن حضرت آمده است: «من کان باذلاً فینا مهجته وموطناً علی لقاء الله فلیرحل معنا»[40]

افزون بر حقیقت فرا مذهبی قیام عاشورا که در سخنان حسین بن علی (ع) متبلور است، رخداد عاشورا و جنایتی که بنی امیه و شخص یزید مرتکب شدند، از سوی اکثریت قریب به اتفاق عالمان مسلمان غیر شیعه نیز محکوم شده است. تعداد عالمانی که به نحوی جنایت یزید را توجیه کرده‌اند، از عدد انگشتان یک دست فراتر نمی‌رود؛ در حالیکه صدها دانشمند اهل سنت از گذشته تا کنون از دو جهت با این اقلیت مخالفت کرده‌اند، آنها را در توجیه جنایات یزید محکوم کرده‌اند.

پرسش های درس پنجم

۱- دو دیدگاه مهم را درباره رابطه دین و سیاست توضیح دهید:

گروه نخست که اکثریت اندیشمندان مسلمان، اعم از شیعه و سنی در آن قرار دارند، معتقدند پیامبر (ص) پس از بعثت، سخت به دنبال تشکیل حکومت بر اساس تحققی از رسالت یا برای اجرای اهداف و برنامه‌های رسالت بوده است. نظریه دوم نیز که در میان اندیشمندان شیعه و سنی طرفدارانی دارد، معتقدند تشکیل حکومت جزئی از برنامه دینی رسول خدا (ص) نبوده است، بلکه چون دعوت در مکه به بن بست رسیده بود، حضرت به دنبال محیطی بود که بتواند ابلاغ وحی را به انجام رساند و چون مردم مدینه از او استقبال کردند و خواستند در رأس تشکیلات مدیریت و حکومت آنها قرار گیرد، رسول اکرم (ص) قبول کرد، وگرنه، تشکیل حکومت برنامه الهی آن حضرت نبوده است.

۲- دلایل دیدگاه جدایی دین از سیاست را تبیین و با تاکید بر اندیشه‌های امام خمینی نقد و ارزیابی کنید.

دلایل این گروه به شرح زیر می‌باشد:

آ- بطور طبیعی نمی‌توان سرنوشت پیامبر خاتم را از سرنوشت دیگر پیامبران کاملاً جدا و بی‌ارتباط دید. از این رو، مگر دیگر پیامبران حکومت تشکیل داده‌اند یا مأمور به این کار بوده‌اند؟

۲- لازمه حکومت خشونت، سرسختی، سختگیری و ... است، در حالیکه پیامبران رسول نبی و اندرز و نصیحت و اقناع مردم بوده‌اند، نه تحمیل و سلطه و خشونت.

۳- دولت حداقلی پیامبر در مدینه، ارکان یک دولت و تشکیلات را نداشته که بگوییم اساساً ایشان حکومت تشکیل داده است یا خیر، و اصولاً قرآن به پیامبر می‌فرماید: «لست علیهم بمصیطر»

۲- مطابق برخی آیات، بویژه آیه ۲۵ سوره حدید، قیام به عدل و قسط و اجرای عدالت، به عهده خود مردم گذاشته شده است و ربطی به نبی و نبوت ندارد.

از نظر حضرت امام خمینی، انسان با تهذیب نفس، تزکیه و سلوک رهسپار سعادت و رستگاری است و نهایت سیر او لقاء الله است. از این رو، هر چه که بتواند در این مسیر در خدمت کمال و تعالی انسان قرار گیرد، ابزاری است که می‌تواند در خدمت انسان و در خدمت آرمان‌های او باشد. دین و سیاست، دو مقوله بسیار مهم و دارای نقشی بی‌بدیل در این زمینه‌اند. ایشان اسلام را دین جامع و کامل برای هدایت انسان می‌دانند که با سیاست آمیخته است.

۳- با توجه به عنوان وصیت نامه حضرت امام، مهمترین اصل در اندیشه ایشان چیست؟ با دلایل و شواهد توضیح دهید.

حضرت امام وصیت خود را «وصیت سیاسی - الهی» نامیده‌اند.

ایشان در وصیت نامه‌شان با نگاهی فرامکانی، فرازمانی و فرامذهبی، اهداف سیاست در اسلام را به شرح زیر بیان می‌دارند:

۱- تحقق حکومت عدل الهی به معنای نهادی که مجری سیاست‌های پیش گفته است،

۲- کوتاه شدن دست ابرقدرت‌ها و جنایتکاران تاریخ از سر مظلومان و مستضعفان جهان و رها شدن بشر از زنجیر بردگی‌ها،

۳- رهایی انسان از شر شیاطین و طاغوت‌ها و رساندن جهان به قسط و عدل و سپردن حکومت به دست اولیای خدا،

۴- برقراری وحدت میان مسلمانان، بلکه همه انسان‌ها،

۵- رسیدن انسان به سعادت و رستگاری اخروی

۴- اقسام سیاست و پیامدهای اندیشه جدایی دین از سیاست را از دیدگاه امام خمینی تبیین کنید.

از دیدگاه حضرت امام سیاست به ۳ گروه تقسیم می‌شود: سیاست شیطانی - سیاست حیوانی و سیاست الهی.

اندیشه جدایی دین از سیاست منجر به بینش سیاسی سکولار می‌شود که عنصر محوری آن مقوله قدرت و دولت و حفظ و بسط دامنه آن است. در سیاست دینی - اسلامی، قدرت نقش ابزار را ایفا می‌کند اما در سیاست سکولار، قدرت هدف است و همه وسایل برای رسیدن به آن توجیه می‌شود. امام می‌فرمایند: این امر طبیعی و گریز از آن میسر نیست، چرا که حقیقت سیاست چیزی جز هدایت نیست و جوهره همه احکام دینی با هدایت عجین شده است. لذا به طور دقیق می‌توان به عینیت سیاست و دیانت در اندیشه امام خمینی سخن گفت.

پرسش های درس ششم

۱- از نظر امام خمینی، انقلاب اسلامی را در چه محورهایی می توان با دیگر انقلاب های جهان مقایسه کرد؟

بدون تردید انقلاب اسلامی ایران با همه انقلاب هایی که تاکنون در جهان به وقوع پیوسته تفاوت دارد. این تمایز و امتیاز را براساس وصیت نامه امام خمینی می توان در پیدایش، کیفیت حرکت و مبارزه، انگیزه های انقلاب و انقلابیون و رسالت و اهداف انقلاب نشان داد.

الف- انقلاب اسلامی و امتیاز مشارکت عمومی در پیدایش آن

ب- انقلاب اسلامی و امتیاز در کیفیت مبارزه و پیروزی خون بر شمشیر

پ- انقلاب اسلامی و امتیاز در انگیزه ملت انقلابی (سعادت دنیوی و رستگاری دائمی)

ت- علل و اسباب بروز انقلاب و راز و رمز پیروزی و بقای آن

۴- راز و رمز پیروزی و نیز بقا و ماندگاری انقلاب اسلامی را برشمرده، توضیح دهید.

از نظر امام خمینی پیروزی انقلاب اسلامی بر دو رکن استوار بوده است: ۱- امدادهای غیبی ۲- حضور عموم ملت (خدا و ملت). حضرت امام هیچ یک از رخدادهای انقلاب را بریده از ارتباط و اتصال با مبدأ اعلا نمی دانست. این حضور ملت و اراده خداوند در موارد زیادی آشکار، و در مواردی نیز بطور نهان حامی انقلاب و ملت ایران بود.

امدادهای غیبی مانند: کشف کودتاهای پی در پی در ایران - رسوایی و درماندگی آمریکا در مقابل ایران

اما از نظر حضرت امام آنچه مربوط به ملت، اعم از رهبر، نخبگان و توده ها می شود، دو چیز است:

الف- انگیزه الهی ملت که بطور مستقیم با عامل نخست، یعنی امدادهای غیبی (الهی) مرتبط است

ب- وحدت کلمه که از سنت های تغییرناپذیر الهی در طول تاریخ است و در هر جا شکل گرفته، یاری خداوند و پیروزی فراهم آمده است.

وحدت کلمه، یعنی اتحاد و توافق عمومی بر یک امر و یک حرکت و یک شعار.

۵- سه محور اساسی هدف و آرمان های انقلاب و جمهوری اسلامی کدام اند؟ نام ببرید.

با توجه به مهمترین شعارهای ملت ایران از آغاز مبارزات انقلاب تاکنون که از یک سو بر شعار «استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی» تاکید کرده، و از سوی دیگر بر شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» پای فشرده است، می توان سه موضوع اساسی دینی، یعنی استقلال، عدالت و آزادی را در چارچوب احکام و آموزه های اسلام، آرمان و امتیاز انقلاب و از اهداف اصلی جمهوری اسلامی دانست.

۶- منظور از استقلال و ابعاد آن، و رابطه خودباوری و رسیدن به استقلال را از اندیشه امام خمینی توضیح دهید.

در سخنان حضرت امام، استقلال به معنای عدم وابستگی، سرپیچی از تبعیت بیگانگان، نقض دخالت

اجانب، عدم پیوستگی با غیر، قطع نفوذ بیگانگان، رها شدن از قید و بند بیگانگان، سرپرستی، تعیین سرنوشت و مقدرات خویش، خروج از نفوذ استعمار، اداره مستقل مملکت و ... آمده است. از نظر ایشان، استقلال یکی از حقوق اولیه، ذاتی و فطری بشر است و اصولاً ارزش حیات انسان به استقلال است.

از نظر امام، خودباوری و احساس شخصیت، و نه احساس حقارت و کمبود، از اسباب و عامل مهم رسیدن به استقلال و قطع وابستگی است. ایشان می‌فرمایند:

اگر می‌خواهیم مستقل باشیم، باید باور کنیم که خودمان شخصیت داریم

تا خودمان را پیدا نکنیم، ... نمی‌توانیم مستقل بشویم.

۸- پیامدهای اجرای عدالت در جامعه کدام است؟ ملاحظات امام را درباره برخی تعاریف از آزادی بیان کنید.

پیامدهای اجرای عدالت در جامعه این خواهد بود که:

۱- دستیابی به مقام و قبول مسئولیت بر اساس عدالت است،

۲- مردم در امور جاری کشور رشوه و اضطراب ندارند.

۳- در برخورد با خطاکاران عدالت رعایت می‌شود و از تبعیض، حس انتقام‌جویی تحریک نمی‌گردد؛

۴- مجریان عدالت از اجرای آن احساس ناامنی نمی‌کنند؛

۵- مردم در جامعه‌ای که بر اساس عدل ره می‌پوید، احساس اعتماد و امنیت درونی خاصی دارند؛

۶- فقر و محرومیت از جامعه رخت بر می‌بندد؛

۷- حوادث شگفتی چون ترور مجریان راستین عدالت چون علی بن ابی طالب (ع) پدید نمی‌آید.

حضرت امام می‌فرمایند: ریشه و اصل همه عقاید که مهمترین و بالاترین ارکان اعتقادات ماست، اصل توحید است. این اصل به ما می‌آموزد از هیچ انسانی نباید اطاعت کرد مگر اینکه اطاعت او، اطاعت خدا باشد. بر این اساس، هیچ انسانی هم حق ندارد انسان‌های دیگر را مجبور به تسلیم در برابر خود نماید. ما از این اصل، آزادی بشر را می‌آموزیم که هیچ فردی حق ندارد انسانی یا جامعه و ملتی را از آزادی محروم کند، برای او قانون وضع کند، رفتار و روابط او را بنا به درک و شناخت خود ـ که بسیار ناقص است ـ یا بنا به خواسته‌ها یا امیال خود تنظیم نماید.

در سخن دیگری می‌فرمایند: «در شکل آزادی اعطا شدنی است که ... آزادی مال مردم است، ... خدا آزادی داده به مردم.» از نظر امام، «آزادی» در غرب تحریف شده است، زیرا آزادی باید موانع رسیدن به کمال را برطرف کند و آزادی در تعاریف غربی چنین نیست. بی‌بندوباری، فساد اخلاقی و اختلاط‌های نامشروع زنان و مردان از نظر امام آزادی نیست. این نگرش ایشان از آنجا مایه می‌گیرد که او آزادی را نه از حقوق طبیعی حیوانی، بلکه ناشی از حقوق فطری و الهی انسان می‌داند. امام در پاسخ کسانی که

معتقد بودند در غرب مسئله آزادی بدون حدود مرز بوده و مسئله‌ای حل شده است می‌فرمایند: خیر آن و صلوات
این نوع آزادی را از خیلی قرن‌ها پیش حل کرده‌اند.

پرسش‌های درس هفتم

۱- ادعای حضرت امام را درباره‌ی بهتر بودن مردم ایران در عصر حاضر از ملت حجاز و کوفه و عراق با شواهد قرآنی و روایی تبیین کنید.

قرآن کریم از حضرت نوح (ع) نقل می‌کند: «قال رب انی دعوت قومی لیلاً و نهاراً * فلم یزدهم دعائی الا فراراً».

در تاریخ خاتم پیامبران آمده است وقتی آن حضرت دستور جهاد و دفاع می‌داد، عده‌ای بهانه می‌گرفتند. گاهی گرما را و گاهی امور دیگری را. در قرآن آمده: «و قالوا لا تنفروا فی الحر» در شما را چه شده که هنگامی که به شما گفته می‌شود: در راه خدا [برای جهاد] کوچ کنید، به زمین سنگینی می‌کنید؟ آیا به جای آخرت، به زندگی [دنیا] راضی شده‌اید؟ و [حال آنکه] کالای زندگی [دنیا] در برابر [آخرت]، جز اندکی نیست!!

حتی چنان که حضرت امام در وصیت‌نامه یادآور شده‌اند، به رسول خدا (ص) دروغ‌ها بستند. از علی بن ابی‌طالب نقل است که: «و لقد کذب علی رسول الله علی عهده حتی قام خطیباً فقال من کذب علی متعمداً فلیتبوّا مقعده من النار».

وضع زمان امام حسین، امام حسن و دیگر ائمه اطهار (ع) نیز بهتر از آن نبوده است و مردم ایران اسلامی هم و در مقایسه مردم شریف ایران در این عصر با مردم دوره آن بزرگواران است که امام می‌فرمایند: ما مفتخریم که در وضعیت عصری و در پیشگاه چنین ملتی هستیم!

۲- ویژگی‌های دموکراسی مطلوب را از نظر حضرت امام خمینی برشمارید؟

۱- نفی استکبار و دیکتاتوری ۲- تأمین کننده آزادی و حافظ آن

۳- پیوند با استقلال ۴- عدالت خواهی ۵- نشئت گرفته از اسلام

۳- از نظر امام ورود مردم به مسائل سیاسی و اجتماعی حق است یا تکلیف؟ چرا؟

در دیدگاه امام خمینی، حضور مردم و نقش آفرینی آنها - چنان که اشاره شد - فراتر از حق است که امری اختیاری و تخییری است؛ یعنی امری تکلیفی و بایدی و الزام‌آور است. چرا که عمل به تکلیف، چه به پیروزی دنیوی مثلاً کسب قدرت بینجامد و چه نینجامد، پاداش اخروی و آسایش درونی و وجدانی را در پی دارد. امام می‌فرمایند: «ما مأمور هستیم به تکلیف عمل کنیم». در منظومه و بنیاد فکری حضرت امام، تکلیف‌گرایی معطوف به منطق و سیره انبیاء و معصومان است و به همین دلیل در همه مراحل انقلاب، کلیه رفتارها و جامعه را بر مبنای تکلیف رهبری می‌کرد.

۴- رابطه امر به معروف و نهی از منکر را با مسئولیت و مشارکت مردم در نظام سیاسی اسلام تبیین کنید:

از نظر حضرت امام، اصل امر به معروف و نهی از منکر - چنانکه در قرآن نیز بسیار تکرار شده است - وظیفه‌ای همگانی است و بر همه مردم واجب است و باید هرکس به حسب توان و مرتبه و نوشته و توانایی که دارد، امر به معروف و نهی از منکرها و پلیدی‌ها کند و این امر مقتضی حضور فعال مردم در صحنه سیاسی و اجتماعی جامعه است. امام می‌فرمایند: این مسئله مهم است و آقایان توجه کنند هم و همه ملت موظف‌اند که نظارت کنند در این امور، نظارت کنند اگر من یک پایم را کنار گذاشتم، کج گذاشتم، ملت موظف است که بگویند پایت را کج گذاشتی، خودت را حفظ کن.

۵- ساحت‌های مشارکت مردم را در نظام اسلامی از نظر حضرت امام توضیح دهید:

حضرت امام بقا و پایداری نظام اسلامی را در گرو امدادهای غیبی و مردم می‌دانستند. برخی از مهم‌ترین ساحت‌ها و زمینه‌هایی که ایشان از نقش مردم در پویایی، پایایی و پایداری انقلاب سخن گفته‌اند، به قرار زیر است: ۱- انتخابات و تعیین شکل حکومت، رهبران و حاکمان

۲- نظارت بر مسئولین

۳- نصیحت و بیان حقایق

۴- حفاظت و پاسداری از اصل نظام اسلامی

۵- کمک به حل مشکلات دولت اسلامی

۶- حرکت در مسیر تحقق محتوای حکومت اسلامی